

فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل (علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی)

سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

صفحات: ۲۹-۵۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۲۸؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۳/۰۳



شرایط و ضوابط حقوقی اجرای قرار نظارت قضایی در کنار قرارهای تأمین کیفری

هدیه غلامرضایی آزاد^۱، نسرین مهرا^{۲*}، غلامحسین کوشکی^۳

چکیده

در دنیای حال حاضر طرح انتقادات فراوان نسبت به توسل بیش از حد به زندان‌ها و بازداشت‌گرایی پیشنهاد طرح جایگزین‌های به مرحله پیش از محاکمه نیز تسری یافت و باعث شد که نظام‌های کیفری به تبعیت از اسناد بین‌المللی توسل به قرارهای بازداشت موقت را در مرحله پیش از محاکمه به حداقل رسانده و در این راستا از نهادهای نظارت محور به عنوان قرارهای تأمین کیفری استفاده نمایند. از همین‌رو قرار نظارت قضایی در کشور فرانسه با توجه به این ملاحظات و با مبنای برون رفت از معایب بازداشت موقت و با هدف جایگزینی بازداشت موقت پیش بینی شد که به تدریج با الهام از حقوق این کشور وارد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ (اجرای ۱۳۹۴) کشورمان شد. این قرار در کشور فرانسه قرار اصلی است در حالی که در قانون اخیرالذکر قرار تکمیلی و فرعی. شناسایی ماهیت قرار نظارت قضایی به دلیل نمود آن با ویژگی غالبی تکمیلی بودن، و ارزیابی میزان منطقی بودن، تحلیل شیوه‌ی صدور این قرار و تشریفات آن و نیز شناساندن موارد و الزاماتی که به کارکرد این قرار می‌افزایند از جمله محورهایی هستند که بررسی آنها به علت نو بودن این قرار ضرورت دارند. بی تردید باتوجه به جدید بودن این نهاد در حقوق کیفری ایران، هنوز بسیاری از جنبه‌های آن مبهم است و مورد سوال رویه قضایی می‌باشد. لذا تبیین شرایط و ضوابط حقوقی اجرای این قرار برای کنشگران عدالت کیفری ایران، آنهم در بستر مطالعه کشور فرانسه، می‌تواند بسیار از نکات را روشن تر نماید.

واژگان کلیدی: قرار نظارت قضایی، قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، ویژگی غالبی تکمیلی بودن، اجرای قرار نظارت، کارکردهای قرار نظارت.

* دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد امارات متحده عربی، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی.

** استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) docnas@mail.com

*** استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۱- مقدمه

قرار نظارت قضایی تاکنون به شکل فراگیر به قلمرو سیاست جنایی ایران راه پیدا نکرده است و در حال حاضر تنها یکی از مصادیق آن مورد توجه مقنن قرار گرفته است، که این مصداق قرار عدم خروج متهم از کشور است (نیازپور، ۱۳۹۰: ۲۲۱). بر اساس ماده ۱۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ «با توجه به اهمیت و دلایل جرم دادگاه می تواند علاوه بر موارد مذکور در ماده قبل، قرار عدم خروج متهم را از کشور صادر نماید. مدت اعتبار این قرار شش ماه است و چنانچه دادگاه لازم بداند می تواند هر شش ماه یک بار آن را تمدید نماید. این قرار پس از ابلاغ ظرف مدت بیست روز قابل اعتراض در دادگاه تجدید نظر استان می باشد».

بدین ترتیب قرار نظارت قضایی در مقررات کنونی و جاری کشور جایگاهی ندارد و تنها مصداق آن همانا قرار عدم خروج از کشور است. حال آنکه تدوین کنندگان لایحه آیین دادرسی کیفری با توجه به آثار مفید این شیوه آن را در فصل هفتم بخش دوم کتاب اول، ذیل عنوان «قرارهای تأمین و نظارت قضایی» پیش بینی کرده اند. به گواهی مطالبی که از این پس خواهند آمد، قرار نظارت قضایی، با الهام از قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه وارد متن قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ شده است.

در نظام دادرسی فرانسه، نظارت قضایی که بوسیله قانون شماره ۶۴۳-۷۰ مصوب ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۰ در تلاش برای تحکیم تضمین حقوق فردی شهروندان معرفی گردید؛ نهادی محدود کننده آزادی است که امکان اعمال آن در جریان تحقیقات تحت عنوان تدابیر تأمینی یا اطمینان بخش یا برای مقتضیات تحقیق وجود داشته و نسبت به فردی صادر می شود که تحت تعقیب قرار گرفته است. در نظام این کشور از سال ۱۸۰۸ که قانون تحقیقات جنایی به تصویب رسید، تا قانون ۷ فوریه ۱۹۳۳، قانونگذار تحت تاثیر تمایلات آزادی خواهانه بوده است؛ اما از ۱۹۳۵ تا تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۹۸۵، بازگشتی به اندیشه های اقتدارگرایانه داشته و در این قانون بازداشت پیشگیرانه را که پیشتر به صورت استثنایی مشاهده می شد، دوباره احیا نمود. اما از این تاریخ به بعد همه قانونگذارها و نمایندگان عمومی تمایل به اصلاح ساختار قضایی داشته‌اند و همانگونه که فرانسوا فورمن بیان داشت: «محدودیت آزادی (در مورد بازداشت موقت) هر روز محدودتر می شود» (Fourment, ۲۰۰۷: ۲۳۲).

شرایط و ضوابط حقوقی اجرای قرار نظارت قضایی در کنار قرارهای تأمین کیفری.....۳۱

در فاصله زمانی بین سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۵ در موضوع آزادی های فردی پیشرفت های خوبی نمایان شد. در این بین قانون ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۰ با تأسیس نهاد نظارت قضایی اقدام بینابینی میان آزادی و زندانی شدن به وجود آورد. این قانون با هدف تراکم زدایی از زندان ها به دادگاه اجازه داد تا برای اجتناب و جلوگیری از تکرار جرم و توجه به پیشگیری بدون ایرادات زندان تدابیر نظارت قضایی را صورت دهند. در کشور فرانسه، قرار نظارت قضایی با قانون ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۰ که تحت عنوان قانون تحکیم آزادی های متهم به تصویب رسید موادی چند را به بازداشت موقت متهمان و لزوم تحدید موارد آن اختصاص داد (Leroy, ۲۰۰۶: ۴۴۳). در این قانون مقررات ناظر به کنترل یا نظارت قضایی تدوین گردیده و بر این نکته تأکید شده است که آزادی متهم باید از دیدگاه قاضی تحقیق به عنوان اصل تلقی گردد و در نتیجه بازداشت موقت باید به عنوان یک امر استثنائی مدنظر قرار گیرد. از آن تاریخ تاکنون نیز مواد قانونی مربوط به بازداشت موقت متهمان، دگرگونی های فراوانی را شاهد بوده است. در نهایت قانون ۱۵ ژوئن ۲۰۰۰ نیز به نوبه خود در راستای هماهنگ کردن قوانین فرانسه با توقعات ناشی از پیوستن این کشور به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر گام های مؤثری برداشته شد (آشوری، ۱۳۸۲: ۹۶). قانون اخیرالذکر بر وصف استثنایی استقرار تحت بازداشت تأکید نموده است (بوریکان و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۸۹).

قانونگذار جدید فرانسه بازپرس (قاضی تحقیق) را مکلف کرده است که با احترام به اصل آزادی متهمان، به جای توقیف، به صدور یک یا چند قرار از ۱۷ قرار که در ماده ۱۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه به قرار نظارت قضایی اختصاص داده و در آن این قرارها را احصاء نموده بود مبادرت کند (آشوری ۱۳۸۲: ۲۷۱). بر اساس این ماده «اگر شخص تحت بررسی متهم محکوم به تحمل مجازات حبس جنحه ای یا مجازات بسیاری شدیدی شده باشد، نظارت قضایی می تواند توسط هیأت تحقیقاتی بازپرسی یا قاضی آزادی ها و بازداشت دستور داده شود. این نظارت شخص مربوطه را بنا بر تصمیم هیأت تحقیقاتی بازپرسی یا قاضی آزادیها و بازداشت به تبعیت از یک یا چند مورد از الزامات زیر، وا می دارد...» (تدین، ۱۳۹۱: ۱۳۵).

بر همین اساس تدوین کنندگان قانون آیین دادرسی کیفری از سال ۱۳۸۵ به این سو تا آخرین نسخه لایحه، قرار نظارت قضایی را مدنظر قرار داده و آن را پیش بینی کرده اند. این قرار در متن قانون شماره مواد مختلفی را به خود دیده بود، مواد ۳۲-۱۲۶، ۱۴۲-۲۲۱، ۲۰۴ و در آخر ماده ۲۴۷ قانون جدید آیین دادرسی کیفری به این قرار

۳۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

اختصاص داده شد. در ماده ۲۴۷ آمده است که «بازپرس می‌تواند متناسب با جرم ارتكابی، علاوه بر صدور قرار تأمین، قرار نظارت قضایی را که شامل یک یا چند مورد از دستورهای زیر است، برای مدت معین صادر کند: الف) معرفی نوبه ای خود به مراکز یا نهادهای تعیین شده توسط بازپرس، ب) منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری، پ) منع اشتغال به فعالیت های مرتبط با جرم ارتكابی، ت) ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز، ث) ممنوعیت خروج از کشور».

آنچه در مراحل مختلف تدوین لایحه آیین دادرسی ثابت بوده است، تکمیلی خواندن قرار نظارت قضایی (به عنوان اصل) و پیش بینی قرار نظارت قضایی مستقل (تنها در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت) است، حال آنکه متغیرترین جزء مربوط به قرار نظارت قضایی دستورات موضوع آن می باشند که ابتدائاً هشت مورد، سپس نه مورد و در نهایت به پنج مورد حاضر تبدیل شده است. پس از این مقدمه تفصیلی در این مقاله ابتدائاً به مفهوم شناسی، شیوه اجرا تا خاتمه آن و در نهایت کارکردهای آن پرداخته می شود.

الف) ماهیت قرار نظارت قضایی

پیش بینی و ظهور نظارت قضایی در نظام حقوقی فرانسه، همانا با رویکرد برون رفت از معایب بازداشت های موقت صورت گرفته است (Sliwowski, ۱۹۶۴: ۲۷۲) و از همین رو، آنچه در شناخت ماهیت این قرار می تواند مؤثر واقع شود همانا این نکته است که در این قرار، جایگزینی بازداشت موقت جایگاهی ویژه دارد. از طرفی دیگر نیز قانونگذار فرانسوی درصدد شده است تا با نگرشی مبنی بر توسل استثنائی به بازداشت موقت و احترام به اصل آزادی، عنوان کلی قرار نظارت قضایی را بر مجموعه ای از دستورات و الزامات اختیار کند. رفته رفته در اثر خط‌مشی و رهنمودهای اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای در خصوص شیوه بهره‌گیری حداقلی از بازداشت موقت، قوانین دادرسی کشورها نیز به طور گسترده نسبت به حداقل تر کردن استفاده از بازداشت پیش از محاکمه، مقرره‌هایی را در قوانین خود پیش بینی نمودند. مضافاً اینکه اختصاص بخشی از جمعیت زندان به زندانیان منتظر محاکمه به لزوم بازبینی در قواعد و مقررات بازداشت موقت و نیز طرح جایگزین‌هایی برای آن دامن زد و در پاسخ به چنین ضرورت‌هایی، در کشوری چون فرانسه با هدف پیش‌بینی قرار جایگزین بازداشت موقت و در واقع هم به همین صورت، قرار نظارت قضایی پیش بینی گردید.

شرایط و ضوابط حقوقی اجرای قرار نظارت قضایی در کنار قرارهای تأمین کیفری.....۳۳

در نظام حقوقی فرانسه قرار نظارت قضایی به عنوان قرار جایگزین بازداشت موقت به رسمیت شناخته شده است که در آن فرد متهم را به یک یا چند تعهد مذکور در قانون پایبند می نماید و چنانچه وی از آن تعهدات و الزامات تخطی نمود ضمانت اجرای بازداشت نسبت به وی اعمال می گردد. بنابراین از نظر ما در حقوق فرانسه قرار نظارت قضایی قرار مستقل و جایگزین قلمداد می شود. با دقت در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه که در آن همه‌ی جایگزین‌های نوین و سنتی را ذیل عنوان نوین قرار نظارت قضایی پیش‌بینی و برای همه‌ی آنها ضمانت اجرای بازداشت موقت قرار داده است می توان گستره‌ی ماهیت جایگزینی قرار نظارت قضایی را دریافت. بنابراین جایگزین خواندن ماهیت قرار نظارت قضایی در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ اقرب به صواب نیست.

قرار نظارت قضایی در نظام دادرسی کیفری فرانسه، در سطح نخست قرارهای تأمین کیفری جای داشته و به وقت تخلف از آن است که قرار بازداشت موقت ظاهر می شود. بر همین اساس این قرار، قرار اصلی است، طیف وسیعی داشته و تمامی قرارهای غیر از بازداشت موقت که برای دسترسی به متهم و نیز اصلاح وی در نظر گرفته می شوند را شامل می شود. از این رو، می‌توان این قرار را در حقوق این کشور با توجه به مواد ۱۳۷ و ۱۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری بدین بیان تعریف نمود: قرار اصلی و جایگزین بازداشت موقت که به علت ضرورت‌های تحقیق یا به عنوان تدابیر تأمینی، با تحدید حقوق و آزادی‌های متهم و اعمال کنترل و نظارت قضایی نسبت به او صادر می شود و در صورت ناکافی بودن با حضور در محل سکونت با نظارت الکترونیکی و یا با ضمانت اجرای بازداشت موقت در صورت تخلف از الزامات با شرایطی جایگزین می شود.

این قرار در نظام دادرسی ایران به گونه‌ای دیگر ظاهر شده است و این تجلی متفاوت، باعث می شود تا به تعریفی متفاوت از آن نیز برسیم. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با نظر به مواد ۲۱۷ و ۲۴۷ قانون، می‌توان دریافت که تدوین کنندگان این قانون، آن را به صورت ابزاری تبعی و تکمیلی پیش‌بینی نموده‌اند که می‌تواند در کنار برخی از قرارهای تأمین کیفری از سوی مقام قضایی صادر شود، اگرچه در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت مستقل بودن آن بیشتر تأمین گردیده است. رویکرد اتخاذی تدوین کنندگان قانون رویکردی خاص می باشد، در همین راستا ابتدائاً تعریفی که بر اساس مواد قانون موجود است ارائه می‌گردد و سپس تعریفی که

۳۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

باید باشد و از نظر ما قابل قبول تر است تبیین می‌گردد. در حال حاضر بر اساس قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، قرار نظارت قضایی بدین صورت قابل تعریف است: «قرار تأمینی است که در برخی موارد به صورت فرعی و تکمیلی علاوه بر صدور قرار تأمین و در برخی موارد به صورت اصلی و مستقل با تحمیل یک یا چند مورد از دستورهای پنج‌گانه متناسب با جرم ارتكابی، نسبت به متهم صادر می‌گردد». رویکرد نامتناجس این قانون در مواردی چون دوگانه بودن مستقل و تکمیلی بودن آوردن قرارهایی با ماهیت نظارت قضایی ذیل قرارهای تأمین و عدم تأمین ویژگی جایگزینی بودن قرار نظارت قضایی باعث می‌شود تا آنکه تعریف دیگری در خصوص این قرار پیشنهاد گردد: «قراری اصلی و جایگزین بازداشت موقت که با اعمال کنترل و نظارت بر متهمان از طریق تحدید حقوق و آزادی‌های آنان دستوراتی را بر آنها تحمیل می‌نماید که ضمانت اجرای تخلف از آنها بازداشت موقت می‌باشد».

بنابراین آنچه در اینجا قابل توجه است یکی لزوم دسته‌بندی دستورات محدود کننده حقوق و آزادی افراد ذیل قرار نظارت قضایی و دیگری مستقل پیش‌بینی کردن آن در قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ است. توضیح آنکه، با توجه به لزوم بومی‌سازی در نهادهای عدالت کیفری از جمله قرار نظارت قضایی، شاید اینگونه مناسب‌تر به نظر می‌رسد تا آنکه با حفظ جایگاه قرارهایی چون وثیقه، کفالت و... (همان ماده ۱۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸) در جایگاه خود، دستورات نوینی را که محدودیت آنها محدودیت در حقوق و آزادی‌های افرادند را ذیل قرار نظارت قضایی دسته‌بندی نماییم و از یک طرف با حفظ قرارهای سنتی در جایگاه خود، جایگاه نوینی را با عنوان قرار نظارت قضایی برای الزامات نوینی (از جمله امتناع از صدور چک، امتناع از انجام برخی فعالیت‌های شغلی، ممنوعیت نگهداری با حمل سلاح، خوددای از رانندگی، حضور در مکان‌های معین و...) پیش‌بینی نماییم. علاوه بر این ضمانت اجرای تخطی از این دستورات را صدور قرار بازداشت موقت قرار دهیم.

قرار نظارت قضایی به صورتی که در قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است، می‌تواند مشتمل بر ویژگی‌هایی قلمداد شود. ابتدائاً بایستی متذکر شد که این قرار، قراری اختیاری بوده و هم در حقوق ایران و هم در حقوق فرانسه اختیاری بودن آن مورد توجه قرار گرفته است. حال باید دانست که علاوه بر این ویژگی‌های شکلی و ظاهری، چه ویژگی‌های ذاتی و ماهوی بر آنها رخ نمایانده است که می‌توان با درک آنها به نوعی هستی قرار نظارت قضایی را بیشتر بشناسیم. آنچه از ماحصل بررسی‌ها

شرایط و ضوابط حقوقی اجرای قرار نظارت قضایی در کنار قرارهای تأمین کیفری.....۳۵

برآمده است دو ویژگی عمده می باشند؛ یکی تکمیلی و مستقل بودن و دیگری محدودیت در حقوق و آزادیهای شخص متهم است که نکات فوق گویای مفهوم آنها می باشند.

ب) آثار ناشی از صدور قرار نظارت قضایی

پیامدهای صدور قرار نظارت قضایی نسبت به شخص متهم، که به طور قهری بر وی بار می شوند، یا به تعبیری دیگر آثار برخاسته از نهاد نظارت قضایی، همانا ضمانت اجرای هستند که تدوین کنندگان و قانونگذاران نسبت به تبعیت یا عدم تبعیت از قرار مذکور پیش بینی کرده اند. قانونگذار فرانسه تنها با پیش بینی موارد عدم رعایت الزامات قرار نظارت قضایی از ضمانت اجراها و آثار صدور سخن رانده است و این امر به طور خاص ریشه در جایگزینی قرار نظارت در فرانسه به جای قرار بازداشت موقت دارد. این در حالی است که در لایحه آیین دادرسی کیفری، تدوین کنندگان قانون با وجود غلبه ماهیت تکمیلی این قرار، آثار تبعیت از دستورات را نیز علاوه بر آثار سرباز زدن از آن پیش بینی کرده اند. بر همین اساس در دو قسمت ذیل، از این آثار با عنوان اختیار ناشی از تبعیت و تکلیف برخاسته از تخلف از قرار یاد خواهیم کرد.

۱- اختیار ناشی از تبعیت از قرار

چنانچه شخص متهم از تعهدات و دستورات تعیین شده قرار نظارت قضایی تبعیت کند، مقام قضایی این اختیار را پیدا می کند که در صورت محکومیت یافتن وی، نسبت به تخفیف در کیفر جرم ارتكابی وی اقدام نماید. بدین صورت که تدوین کنندگان قانون در ماده ۲۵۳ چنین پیش بینی کرده اند «در صورتی که متهم دستورهای مندرج در قرار نظارت قضایی را رعایت نماید، بنا به درخواست وی که باید به تأیید دادستان برسد و یا پیشنهاد دادستان، دادگاه می تواند با رعایت مقررات قانونی در مجازات وی تخفیف دهد». بنابراین، این امکان و اختیار دادگاه مبنی بر تخفیف در مجازات وی به یکی از موارد و جهات تخفیف مجازات که در ماده ۳۸ ق. م. ا اشاره شده اند اضافه گشته است.

حال باید دانست که در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه چنین امکانی برای تبعیت از دستورات و الزامات قرار نظارت قضایی پیش بینی نشده است، بر همین اساس اینکه چرا، این اثر در قانون آمده ولی در قانون کشور فرانسه بدان اشاره نشده است خود جای تأمل دارد. ولی در نگاه اول عامل و مسبب پیش بینی این اثر در فرعی و تکمیلی

بودن این قرار در ایران و فقدان چنین ویژگی‌ای در فرانسه رخ می‌نماید. بدین توضیح که قانون‌گذار فرانسه قرار نظارت را قراری مستقل دانسته و با تبیین ماهیت جایگزینی آن برای بازداشت موقت چنین بیان می‌دارد که چنانچه شخص از تعهدات این قرار تبعیت نکند به بازداشت موقت منتهی می‌گردد. برداشت و مفهوم مخالف این متن آن است که چنانچه متهم به تعهدات قرار نظارت پایبند و وفادار بماند از صدور قرار بازداشت نسبت به خود رهایی می‌یابد و این امر خود اثر و پیامد تبعیت اوست. از طرفی دیگر نیز می‌توان با نگاهی به قرارهای تأمین کیفری جایگزین بازداشت موقت به این نکته پی برد که چنانچه شخص به قرار التزام، کفالت و یا وثیقه خود پایبند باشد، پیامد آن امکان تخفیف نیست و چنین امکانی هم وجود ندارد بلکه در نهایت شخص از امکان صدور قرار بازداشت نسبت به خود می‌رهاید.

اگرچه چنین جهت تخفیفی در قانون آیین دادرسی کیفری نوین قلمداد می‌شود اما فرآیند اجرایی شدن آن و تضمین حقوق شخص متهم در درخواست چنین تخفیفی هر لحظه ممکن است با مانعی مواجه گردد. چراکه در صورت تقاضای شخص متهم، تأیید دادستان مورد نیاز است، در حالی که نه موارد و جهات عدم تأیید مشخص شده است و نه آنکه در صورتی که دادستان تأیید ننماید، آیا امکان اعتراض برای شخص متهم وجود دارد یا خیر. همه این ملاحظات، اقتضا می‌کند تا جزئیات این تقاضا مشخص گردد.

نکته دیگری که می‌توان در اینجا به آن اشاره نمود این است که در نسخه‌های اولیه مربوط به لایحه آیین دادرسی کیفری و در ماده ۳۹-۱۲۶ آن آمده بود که «هرگاه متهم از دستورهای مندرج در نظارت قضایی تخلف نکند...»، ولی در آخرین نسخه آن از ترکیب «رعایت نماید» استفاده شده است. اینکه آیا در نظر تدوین‌کنندگان قانون این دو یکی هستند یا خیر در اسناد موجود در ارتباط با قانون مشخص نشده است. ولی به نظر می‌رسد که این دو مورد دو روی یک سکه باشند و آثار متفاوتی از این تفاوت اصطلاحات به بار نخواهد آمد.

در آخر نیز باید به این موضوع مهم اشاره نمود که با توجه به رویکرد دوگانه تدوین‌کنندگان قانون و پیش‌بینی قرار نظارت مستقل و قرار نظارت توأم با دیگر قرارهای تأمین، در اینجا چنانچه شخص متهم به هر دو نوع این قرار پایبند بود، در هر صورت تخفیف نسبت به وی قابل اعمال است ولی، با توجه به قانون جدید مجازات اسلامی در خصوص قرار نظارت قضایی مستقل که می‌تواند نسبت به جرایم تعزیری

شرایط و ضوابط حقوقی اجرای قرار نظارت قضایی در کنار قرارهای تأمین کیفری.....۳۷

درجه هفت و هشت صادر شود اندکی متفاوت است. بدین توضیح که مقنن در ماده ۳۹ ق.م.ا و ذیل فصل تخفیف مجازات و معافیت از آن آورده است که «در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، در صورت احراز جهات تخفیف، چنانچه دادگاه پس از احراز مجرمیت، تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب، اصلاح می شود در صورت فقدان سابقه کیفری مؤثر و گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن می تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کند». بنابراین در صورت رعایت دستورات قرار نظارت قضایی مستقل و اثبات موارد مصرحه، شخص می تواند به طور کلی از کیفر صادر شده معاف گردد و این امکان نسبت به وی وجود دارد. امکان صدور قرار نظارت قضایی نسبت به اشخاص حقوقی نیز قابلیت بحث پیدا می کند و قاعدتاً منع قانونی ندارد.

۲- تکلیف ناشی از تخلف از قرار

علاوه بر پیش بینی نتیجه موارد تبعیت از دستورات قرار نظارت قضایی، ضمانت اجرایی نیز برای موارد تخلف شخص متهم از دستورات این قرار پیش بینی شده است و این موضوع در هر دو نظام فرانسه و ایران آمده است؛ اگرچه در نوع ضمانت اجرا میان این دو نظام تفاوت های قابل توجهی مشاهده می شود. در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه قواعدی در رابطه با شخصی که از دستورات قرار نظارت قضایی تبعیت نکند پیش بینی کرده است. توضیح آنکه در ماده ۱-۱۴۱ آمده است «اگر شخص تحت بررسی با اراده از الزامات نظارت قضایی تبعیت نکند، هیأت تحقیقاتی بازپرسی می تواند علیه او دستور بازداشت یا جلب صادر نماید. همچنین این هیأت می تواند قاضی آزادی ها و بازداشت را به منظور قرار دادن شخص در بازداشت موقت مورد درخواست قرار دهد. بدون توجه به میزان مجازات قانونی حبس، قاضی آزادی ها و بازداشت می تواند با توجه به مقررات ۳-۱۴۱ علیه این شخص، دستور به حبس برای بازداشت موقت وی صادر کند....». توضیح آنکه هرگاه متهم از رعایت مقررات کنترل قضایی سرباز زند بازپرس می تواند بدون توجه به میزان مجازات اتهام وارده فوراً اقدام به توقیف او نماید (Pradel, ۲۰۰۸, ۶۸۰: ۶۸۲). قرار توقیفی که بدین ترتیب صادر می شود لازم نیست که موجه باشد، بلکه کافی است که بازپرس تعهدی را که متهم از انجام آن سرباز زده در قرار توقیف قید نماید؛ کافی است که شخص از زیر بار این تعهدات شانه خالی کرده باشد.

بنابراین در حقوق فرانسه، شمول ضمانت اجرا نسبت به متهم ناقض قرار نظارت و اعمال بازداشت موقت «امری خودکار نیست بلکه امری است قابل بررسی. در طول مدت تحقیقات، قاضی آزادی‌ها و بازداشت پس از ارجاع قانونی قاضی تحقیق مسأله بازداشت متهم را بررسی می‌کند» (الهی منش، ۱۳۸۹: ۲۴۹). حال آنکه در قانون آیین دادرسی کیفری، سیاست مورد نظر جلوه دیگری یافته است. در ماده ۲۵۴ از این قانون آمده است که «هرگاه متهم از اجرای قرار نظارت قضایی که توأم با قرار تأمین صادر شده است، تخلف کند، قرار نظارت لغو و قرار تأمین تشدید می‌شود و در صورت تخلف متهم از اجرای قرار نظارت مستقل، قرار صادره به قرار تأمین متناسب تبدیل می‌گردد. مفاد این ماده در حین صدور قرار نظارت قضایی به متهم، تفهیم می‌شود». تبصره این ماده به گونه‌ای به تبیین محدوده می‌پردازد که «در اجرای این ماده نمی‌توان قرار صادره را به قرار بازداشت موقت تبدیل کرد».

مشخص است که نگاه تدوین‌کنندگان قانون به مانند قانونگذار فرانسوی، نگاهی تشدیددی در قبال تخلف از قرار نظارت قضایی است، ولی تجلی متفاوت این دو رویکرد خود از مبنای متفاوت آن دو در خصوص شالوده این قرار نشأت می‌گیرد. به هر حال باید توجه به این دو تقسیم‌بندی از قرار نظارت ضمانت اجرای هر کدام از این دو دسته نیز متفاوت آمده است. در رابطه با قرار نظارت قضایی تکمیلی، قرار نظارت لغو و قرار تأمین تشدید می‌گردد. تصمیم به لغو قرار نظارت و تشدید قرار تأمین تصمیم مناسبی ارزیابی می‌شود، ولی جزئیاتی وجود دارد که توجه به آنها این تصمیم را در عین تناسب، صحیح تر و کامل تر خواهد نمود. نکته اول اینکه میزان تشدید مشخص نیست مجال این موجود بود که اختیار مقام قضایی در این راستا چارچوبی مناسبی در جهت مشاهده نحوه چارچوب‌مند کردن اختیارات این مقام باشد. زیرا در این قانون مواعدی را در خصوص حالتی که شخص دستورات قرار نظارت را نقض می‌کند مشخص ساخته تا اختیار مقام قضایی به بازداشت موقت بیش از موعد منتهی نگردد، که این مواعد به تناسب نوع پرونده و سابقه متهم متفاوت است.

ابهام دیگری که در همین راستا و در واژه «تشدید» وجود دارد این است که آیا تبصره این ماده نیز مشمول تشدید می‌گردد یا خیر. بدین توضیح که چنانچه مقام قضایی بخواهد بالغو قرار نظارت، اقدام به تشدید قرار توأم کند، آیا می‌تواند در مقام تشدید، قرار تأمین سابق را به قرار بازداشت موقت تبدیل کند، یا اینکه این تبصره فقط

شرایط و ضوابط حقوقی اجرای قرار نظارت قضایی در کنار قرارهای تأمین کیفری.....۳۹

ناظر به قسمت دوم ماده، یعنی قرار نظارت مستقل است. بر اساس این قانون و متن مواد، دو استدلال قابل طرح است. استدلال اول این است که تبصره ناظر به قسمت دوم ماده است و چنانچه قرار نظارت قضایی مستقل باشد، مقام قضایی نمی تواند قرار بازداشت صادر کند. بدین دلیل که اولاً جرایم موضوع صدور این قرار، جرایمی خفیف بوده و اینکه لفظ «قرار صادره» هم در تبصره و هم در قسمت دوم ماده مشترک است. مضافاً اینکه فقط در قسمت دوم ماده سخن از «تبدیل» قرار آمده؛ امری که موضوع تبصره می باشد. استدلال دوم نیز آن است که تبصره ناظر به تمام ماده است، زیرا در ابتدای تبصره از واژه «در اجرای این ماده» استفاده شده و دلیل دیگر نیز استثنایی بودن توسل به بازداشت موقت است که هم در ماده ۲۳۷ قانون و هم مبنای پیش بینی قرار نظارت قضایی بر آن مبتنی است. از میان این دو استدلال، اگرچه شاید استدلال اول با نص ماده تطابق بیشتری داشته باشد ولی استدلال دوم پذیرفتنی تر می نماید. زیرا علاوه بر دلایل مذکور در بالا از یک طرف توسل حداقل به بازداشت موقت مبنای پیش بینی قرار نظارت است و از طرفی دیگر نیز تشدید در قسمت اول ماده، خود نوعی تبدیل است.

سیاست تدوین کنندگان قانون در جهت لغو، تشدید و تبدیل به طور کلی مقبول است، زیرا در مرحله تحقیقات مقدماتی آنچه اقتضا دارد همانا برخورد قاطع از طرفی و سریع بودن فرآیند از طرفی دیگر می باشد. اما این رویکرد می بایست موارد تخلف ناخواسته و موجه را با اشاره ای مختصر پیش بینی می کرد، بدین خاطر که موارد متعددی ممکن است شخص ناخواسته و با عذری موجه از آن دستورات تخلف کند و با وجود این تخلف، کماکان آن قرار نظارت برای وی متناسب ترین قرار باشد. در همین راستا و به اعتقاد برخی از حقوقدانان فرانسوی «به نظر می رسد که ضمانت اجرا در مورد قوه قاهره، بی توجهی و غفلت قابل اجرا نبوده و فقط در صورت سوءاراده و یا قصد فرار (حتی بدون نقشه گمراه کردن عدالت) از انجام تعهداتی باشد که به وی تحمیل شده است» (استفانی و دیگران، ۱۳۷۲: ۸۳۷).

مطابق با قسمت آخر ماده ۲۵۴، تفهیم امکان لغو و تشدید یا لغو و تبدیل در این ماده تکلیف مقام قضایی قرار داده شده است. این در حالی است که تفهیم امکان تخفیف در مجازات بواسطه تبعیت از دستورات قرار نظارت در ماده ۲۳۵ پیش بینی نشده است. اگرچه تکلیفی و شدید بودن نتیجه تخلف، اقتضای تفهیم را دارد ولی از یک طرف رویکرد قابل دفاعی به نظر می رسد چراکه با ارباب شخص متهم به نوعی

۴۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

شخص را به تبعیت سوق می‌دهد و او را از عاقبت احتمالی با خبر می‌سازد. بدین ترتیب برای کامل تر نمودن این رویکرد، بایستی تدوین کنندگان در آخر این ماده چنین پیش بینی می‌کردند که تبعات تخلف و تبعیت از دستورات قرار نظارت قضایی، در حین صدور آن به متهم تفهیم می‌شود.

ج) شیوه اجرای قرار

با صدور قرار نظارت قضایی، نکته‌ی مهم، چگونگی اجرای این قرار است، یا اینکه اجرای آن بایستی با چه ضوابطی همراه باشد تا آنکه در پی آن بتوان از حسن اجرای قرار نظارت قضایی سخن گفت. در حقوق فرانسه تصویب نامه مورخ ۲۳ دسامبر ۱۹۷۰ (ماده R۱۶) تصریح دارد بر اینکه قاضی تحقیق باید فردی را به عنوان ناظر قضایی معرفی نماید؛ این فرد می‌تواند شخصی حقیقی یا حقوقی یا یکی از ادارات پلیس یا ژاندارمری یا دستگاه قضایی یا دارای صلاحیت و یا در موارد استثنایی یک روشناس باشد.

بدین تعبیر، در حقوق فرانسه، مقامات یا اشخاص مسئول نظارت بر حسن اجرای قرار نظارت قضایی، اطمینان حاصل می‌نمایند که فرد تحت تعقیب به تعهدات خود پایبند است؛ به این منظور این افراد می‌توانند با متهم ملاقات نموده و از وضعیت او اطلاع حاصل نمایند. این افراد در مقابل قاضی تحقیق با توجه به شرایطی که وی تعیین می‌نماید، در قبال رفتار فرد تحت تعقیب پاسخگو می‌باشد. چنانچه متهم، از اجرای تعهدات خود تخلف کند، این افراد مراتب را بلافاصله به اطلاع قاضی می‌رسانند. (الهی منش، ۱۳۸۹: ۳۲۸)

در ماده ۲۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری، به شیوه اجرای قرار نظارت قضایی نظر دارد «شیوه اجرای قرارهای نظارت و بندهای (ج) و (چ) ماده ۲۱۷ این قانون، به موجب آیین نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون توسط وزراء دادگستری و کشور تهیه می‌شود و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد». بر اساس این ماده، شیوه اجرای قرارهای نظارت قضایی به معنای مشخص نمودن ضوابط و الزاماتی است که از یک طرف شخص متهم بایستی به آنها پایبند باشد و از طرفی دیگر مقامات و متصدیان مربوطه بایستی در طول آن، بر اعمال شخص متهم نظارت کنند. بنابراین اجرای قرار نظارت، فرآیندی دو سویه است و بدون التزام و اعتراف به این فرآیند، متهم خود را فارغ از نظارت می‌یابد. در آیین نامه

شرایط و ضوابط حقوقی اجرای قرار نظارت قضایی در کنار قرارهای تأمین کیفری.....۴۱

ای که قرار بر تدوین آن است، بایستی به این نکات و رسالت‌ها توجه ویژه شود. به عنوان مثال در رابطه با بند الف ماده ۲۴۷، مشخص گردد که آیا متهم صرفاً بایستی خود را به نهادهای تعیین شده توسط مقام قضایی معرفی نماید یا علاوه بر آن بایستی در معرفی‌های نوبه‌ای پایبندی خود را به یک سری دستورات مقام قضایی نیز نشان دهد، که به نظر می‌رسد با توجه به متهم بودن وی، جنبه‌ی دوم قوی‌تر باشد.

تبیین شیوه‌ی اجرا، در خصوص یکی دیگر از دستورات قرار نظارت قضایی، یعنی منع اشتغال به فعالیت‌های مرتبط با جرم ارتكابی حائز اهمیت است. چراکه در این موارد، گاهی پرونده‌ای مطرح می‌شود که شخص متهم به عنوان مثال پدر خانواده بوده که کار و کسب درآمد برای وی و خانواده‌ی او اهمیت زیادی داشته و دارد. در این صورت از یک طرف نباید منع اشتغال به طور کلی پیش‌بینی شود که وی را از کارهایی که مانع کسب درآمد وی هستند ممنوع کنند و از طرفی دیگر نیز لازم است تا فعالیت‌های مرتبط با جرم ارتكابی تعریف و تبیین گردد. به عنوان مثال، چنانچه یک راننده تاکسی مرتکب جرح و صدمه به یک عابر پیاده شود و مقام قضایی نسبت به وی این دستور را نیز صادر کرده باشد، آیا به این معنا خواهد بود که از تمام انواع رانندگی‌ها از جمله رانندگی یک شرکت خصوصی، آن هم به عنوان سرویس کارکنان ممنوع خواهد بود. گویا در این مورد وی ممنوع از این فعالیت باشد، زیرا با جرم ارتكابی، هر دو در رانندگی مشترک اند، ولی به هر حال آنچه ملاک است تدقیق بیشتر در اجرای این دستورات با هدف تضمین صحیح اجرای آن است.

در آخر نیز ذکر این نکته ضرورت دارد که چنانچه اجرا و نظارت بر اجرای قرار نظارت قضایی از سوی متهم نیازمند هیأت ناظرین قضایی باشد، اعضای آن را چه کسانی تشکیل می‌دهند. علاوه بر این تمام ضوابط فعالیت آنها از جمله اینکه در صورت تخلف متهم، گزارش موارد تخلف با چه تشریفات صورت بگیرد، مشخص شود.

د) کارکردهای قرار نظارت قضایی در جمع با قرارهای تأمین و مجازات‌های

جایگزین حبس

در پی تمام مباحث پیشین و قبل از پرداختن به نتیجه‌گیری ضرورت پرداختن به تحلیل مختصری از کارکردهای قرار نظارت قضایی اقتضای خاص خود را داشت. همانا آنچه پس از صدور قرار نظارت قضایی و به طور کلی پس از توسل به نهادهای نظام

عدالت کیفری، بایستی مدنظر قرار گیرد آن است که صدور آن قرار یا نهادی خاص چه کارکردی را در فرآیند دادرسی کیفری ایفا می‌کند. در این خصوص با در نظر گرفتن تمام فرآیند دادرسی، از تعقیب تا پس از اجرای حکم، به عنوان مجموعه ای واحد، خلأ بررسی همه جانبه آنها در یک جمع واحد و اثربخشی هر کدام بر یکدیگر احساس می‌گردد. بر همین مبنا، در اینجا از یک طرف ارزیابی و تحلیل قرار نظارت قضایی با دیگر قرارهای تأمین مدنظر قرار می‌گیرد که آیا، به ویژه با توجه به ویژگی غالبی تکمیلی بودن این قرار، صدور و اجرای آن با چه کارکردی مواجه خواهد شد. از طرفی دیگر نیز قرار نظارت قضایی، از سویی به لحاظ سیاست جایگزینی آن و از سویی دیگر به لحاظ تشابه دستورات آن با جایگزین های حبس و دستورات موضوع آن، پاسخگویی به این سؤال اهمیت می‌یابد که آیا می‌توان ارتباطی میان التزام به این دستورات و موضوع جایگزین‌های حبس قرار گرفتن پیدا نمود یا خیر.

۱- در جمع با قرارهای تأمین کیفری

نظر به ویژگی قرار نظارت قضایی، این قرار به جز در جرایم درجه هفت و هشت، در تکمیل با دیگر قرارهای تأمین صادر می‌شود. نکته مهمی که ابتدائاً بایستی روشن شود این است که چنانچه مقام قضایی بخواهد قرار نظارت قضایی را در تکمیل دیگر قرارها صادر نماید، زمان این صدور چه زمانی باید باشد. بدیهی است که با توجه به قید موجود در صدور ماده ۲۴۷ قانون یعنی «علاوه بر صدور قرار تأمین»، این قرار هنگامی صادر می‌شود که فرآیند صدور قرار تأمین به پایان رسیده باشد. به پایان رسیدن نیز مربوط به آن مرحله ای است که امکان اعتراض به آن قرار تأمین وجود نداشته باشد که به عنوان مثال در قرار کفالت یا وثیقه با صدور قرار قبولی محقق می‌شود. این نظر نیز باعث می‌شود که به نوعی از متزلزل بودن و شدن سرنوشت قرار نظارت قضایی جلوگیری به عمل آید.

در راستای تضمین کارکردهای این قرار، به طور اجمالی می‌توان هریک از دستورات آن را در جمع با قرارهای تأمین ارزیابی شود. همانگونه که گفته شد، بر اساس صدر ماده ۲۱۷ لایحه، مقام قضایی تنها می‌تواند یکی از قرارهای تأمین ده گانه را نسبت به متهم صادر کند. بر همین مبنا، شناسایی قرارهای تأمین موضوع ماده ۲۱۷ و دسته‌بندی آنها مقدمه‌ای در جمع آنها با قرار نظارت قضایی است. این قرارها را به غیر از بازداشت موقت می‌توان در چهار دسته‌ی کلی بیان نمود: قرارهای التزام به حضور و معرفی نوبه ای (بندهای الف، ب، ث و ج)، قرارهای التزام به عدم خروج (بندها پ،

شرایط و ضوابط حقوقی اجرای قرار نظارت قضایی در کنار قرارهای تأمین کیفری.....۴۳

ت و چ)، قرار کفالتو قرار وثیقه. اگرچه می‌شد براساس ضمانت‌اجرای این قرارهای تأمین آنها را به شکل دیگری نیز تقسیم نمود ولی این دسته‌بندی که بر اساس ماهیت قرار است بهتر می‌تواند در راستای جمع آنها با هریک دستورات قرار نظارت قضایی مفید ظاهر شود.

بدین صورت و با توجه به دسته بندی های قرار تأمین، نکته‌ی کلی این است که اگرچه ممنوعیتی برای مقام قضایی پیش بینی نشده است ولی صدور قرارها و دستورات ماهیتا یکسان و غیرهمسان بایستی باتوجه به وضعیت متهم اتخاذ شوند. بدین صورت که آیا صدور دستورات و تعهدات سلبی قرار نظارت قضایی با قرارهای مبتنی بر التزام مناسب‌ترند یا جمع شدن آنها با قرارهای مبتنی بر التزام به عدم خروج. بنابراین بایستی در هر پرونده مشخص شود که تعهدات سلبی یا مثبت قرار نظارت با کدامیک از قرارهای مثبت یا سلبی قابل جمع می‌باشند. نکته‌ای که می‌توان در اینجا دریافت این است که شاید نحوه‌ی پیش بینی لایحه، مقام قضایی را به این سمت سوق دهد که با توجه به امکان صدور تنها یک قرار تأمین، با نظر به دستورات قرار نظارت قضایی قرار تأمینی را صادر کند که دستورات مشابهی را در قرار نظارت قضایی در بر نداشته باشد.

فراتر از این سخن که کدامیک از دستورات می‌توانند با کدامیک از قرارهای تأمین جمع شوند، کارکردی که از صدور قرار نظارت قضایی مدنظر است می‌تواند با صدور دستورات مشابه نسبت به شخص متهم نقض شود. بدین بیان که چنانچه دو دستور مبتنی بر عدم خروج نسبت به متهم صادر شوند، ممکن است از کارآیی آن کاسته و یا امکان تخلف آنها را بوجود آورد. چراکه شباهت آنها میزان نظارت را بر شخص متهم کاهش خواهد داد؛ نظارتی که با صدور دستورات متفاوت بر متهم بیشتر می‌تواند تقویت شود.

۲- در جمع با مجازات های جایگزین حبس

در یک تقسیم بندی کلی که از جایگزین های حبس ارائه می‌شود، همانا این جایگزین‌ها به جایگزین های مرحله تحقیقات (و قبل از دادرسی) و نیز جایگزین های پس از دادرسی و صدور حکم دسته بندی می‌گردند (حاجی تبار فیروزجائی، ۱۳۸۶: ۸۳). همانا جایگزین‌های مرحله تحقیقات، با هدف کاستن از میزان توسل به بازداشت موقت، تدابیری سنتی و نوین پیشنهاد کرده اند، که سردمدار آن را در حقوق فرانسه با

۴۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

عنوان قرار نظارت قضایی می‌یابیم. از طرفی دیگر نیز جایگزین‌های مرحله پس از دادرسی و صدور حکم، از طریق تدابیر و راهکارهایی که پیش‌بینی نموده‌اند درصدد کاهش استفاده از حبس و حبس‌گرایی بوده‌اند.

وجود این دسته بندی، طبیعتاً ما را به این بحث سوق می‌دهد که آیا می‌توان میان این دو دسته تدابیر ارتباط برقرار نمود یا خیر. بویژه آنکه مال هر دوی این تدابیر همانا کاهش حبس و توسل به آن است. جهت دیگری که تحلیل ارتباط‌سنجی میان این دو را تقویت می‌کند این است که دستورات موضوع این تدابیر نیز مشابه یکدیگر می‌باشند و چنانچه بر شخص متهمی تدابیری مشابه اعمال گردد چه بسا از تبعیت از آنها سرباز زند یا معترض باشد که قبلاً موضوع چنین تدابیری قرار گرفته است و به همین ترتیب یا آنها را نمی‌پذیرد و یا مستعد نقض آنها می‌گردد.

در قانون مجازات اسلامی، جایگزین‌های سلب آزادی و به تعبیری دقیق‌تر مجازات‌های جایگزین حبس، نسبت به قانون قبل توسعه بیشتری پیدا کرده است. در این قانون با اشاره به برخی از جایگزین‌های سنتی از جمله تعلیق اجرای مجازات، نیمه آزادی و آزادی مشروط در فصلی مجزا مجازات‌های جایگزین حبس را با نمونه‌هایی چون دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان و غیره (در مواد ۶۴ تا ۸۷) پیش‌بینی نموده است. بی‌تردید مراد ما از جایگزین‌های حبس در اینجا، آن دسته از تدابیری است که از صدور آنها دستوراتی متوجه متهم می‌گردد و آن دستورات نیز با دستورات موضوع قرار نظارت قضایی شباهت دارند. با توجه به قانون جدید مجازات اسلامی از میان موارد متعدد جایگزین‌ها، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و دوره مراقبت و دستوراتی که برخاسته از آنهاست به قرار نظارت قضایی قرابت بیشتری دارند.

در این چهار تدبیر، همان دستورات موجود ذیل تعویق صدور حکم نسبت به شخص محکوم صادر می‌شوند. به موجب ماده ۴۲ ق.م.ا «تعویق مراقبتی همراه با تدابیر زیر است: الف- حضور به موقع در زمان و مکان تعیین شده توسط مقام قضایی یا مددکار اجتماعی ناظر، ب- ارائه اطلاعات و اسناد و مدارک تسهیل‌کننده نظارت بر اجرای تعهدات محکوم برای مددکار اجتماعی، ح- اعلام هرگونه تغییر شغل، اقامتگاه یا جابجایی در مدت کمتر از پانزده روز و ارائه گزارشی از آن به مددکار اجتماعی، ت- کسب اجازه از مقام قضایی به منظور مسافرت به خارج از کشور...». این قانون نیز در ماده ۴۳ دستورات تعویق مراقبتی را بدین شرح احصا نموده است «... دادگاه صادر

شرایط و ضوابط حقوقی اجرای قرار نظارت قضایی در کنار قرارهای تأمین کیفری.....۴۵

کننده قرار می‌تواند مرتکب را به اجرای یک یا چند مورد از دستورهای زیر در مدت تعویق، ملزم نماید: الف- حرفه‌آموزی یا اشتغال به حرفه‌ای خاص، ب- اقامت یا عدم اقامت در مکان معین، پ- درمان بیماری یا ترک اعتیاد، ت- پرداخت نفقه افراد واجب‌النفقه، ث- خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری، ج- خودداری از فعالیت حرفه‌ای مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل مؤثر در آن، ج- خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه دیده به تشخیص دادگاه، ح- گذراندن دوره یا دوره‌های خاص آموزش و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی یا شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی».

با توجه به دستورات موضوع تعویق مراقبتی که در تعلیق، آزادی مشروط و دوره مراقبت نیز می‌توانند جریان پیدا کنند، وجود مصادیقی از سه مورد از دستورات موضوع قرار نظارت قضایی ملاحظه می‌شوند که عبارتند از «معرفی نوبه‌ای خود به مراکز یا نهادهای تعیین شده توسط بازپرس» که این دستور همسو با بند الف ماده ۴۲ ق.م.ا. است، «منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری» که مانند بند ث ماده ۴۳ ق.م.ا، «منع اشتغال به فعالیتهای مرتبط با جرم ارتكابی که مشابه بند ج ماده اخیرالذکر می باشد. در حالتی ممکن است متهمی، از سوی مقامات دادرسی یا دادگاه و در مرحله تحقیقات، بر حسب جرم ارتكابی از رانندگی یا اشتغال به فعالیتهای مرتبط با جرم ارتكابی ممنوع شود. با محکومیت این شخص در دادگاه، چنانچه به حبس محکوم گردد بایستی امکان بهره‌گیری وی را از نهادهای جایگزین حبس آن‌هم در صورت وجود شرایط ممکن‌دانست. در این صورت اگرچه بر اساس ظاهر مواد قانونی مرتبط، دادگاه در استفاده از این نهادها، از جمله تعلیق، آزادی مشروط، تعویق و نیمه آزادی مختار است ولی مقام قضایی به صدور این دستورات در قالب قرار نظارت و میزان اثربخشی آنها نسبت به متهم توجه داشته و سابقه شخص متهم را در میزان پابندی یا عدم پابندی به آنها مدنظر قرار دهد. بدون شک این توجه مقام قضایی، می‌تواند وی را نسبت به استفاده از هر کدام از دستورهای موضوع جایگزین‌های حبس یاری دهد تا تصمیمی که گرفته می‌شود مناسب‌ترین باشد.

نکته مهمی که می‌توان از این بررسی دریافت آن است که چنانچه متهم و یا محکوم احتمالی بداند که پابندی وی به دستوراتی که نسبت به وی صادر شده اند می‌تواند او را در بهره‌مندی از نهادهای جایگزین حبس کمک نماید، بدون شک رغبت بیشتری به

۴۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

پایبندی وی ایجاد خواهد کرد. از همین رو مجال آن وجود دارد که تدوین کنندگان لایحه، تبعیت شخص متهم را نه فقط در تخفیف مجازات وی، بلکه در امکان بهره مند شدن از جایگزین‌های حبس، پیش‌بینی کنند. از آنجا که در لایحه آیین دادرسی کیفری پایبندی شخص متهم، به نوعی یکی از جهات تخفیف دانسته شده است، از طرف دیگر نیز با دقت در قانون جدید مجازات اسلامی، درخواستیم یافت که از جمله شرایط تعویق صدور حکم و مجازات‌های جایگزین حبس وجود جهات تخفیف می باشند، بر همین اساس مقام قضایی به نوعی می‌تواند تبعیت متهم از دستورات نظارت قضایی را مستمسکی قرار دهد تا حکم به این موارد دهد.

نتیجه گیری و پیشنهادات

در گذر زمان، بازداشت متهمان در مرحله‌ی پیش از محاکمه با چالش‌های متعددی رو به رو گشت و به واسطه‌ی اینکه شخص هنوز متهم بوده و محکومیت نیافته سلب آزادی او فاقد وجاهت شناخته شد. علاوه بر این، سلب آزادی نیز در کنار تحمیل هزینه‌های سنگین، مغایر اصول مسلم حقوق کیفری از جمله اصل برائت است علاوه بر این نیز ملاحظات حقوق بشری و احترام به آزادی اشخاص و نقض حداقل آن، از جمله دیگر عواملی بوده است که به تدریج زمینه را برای شناسایی حق بر آزادی اشخاص آن هم در دادرسی‌های کیفری فراهم ساخت. از همین رو بود که به تدریج اندیشه‌های اتخاذ رویکرد محدودیت در آزادی افراد، آن هم به جای سلب آزادی او مطرح شد. این اندیشه‌ها به واسطه‌ی انتقادات فراوان به مجازات حبس و لزوم توسل به جایگزین‌های آن نیز تقویت شد و مرحله‌ی پیش از محاکمه را نیز تحت‌الشعاع قرار داد. با توجه به این ملاحظات و علاوه بر آن باتوجه به وضعیت نامطلوب بازداشت‌شدگان در بازداشتگاه، اسناد بین‌المللی به طور عام و نه با اشاره خاص به عنوان قرار نظارت قضایی، به نوعی ضرورت پیش‌بینی جایگزین‌های بازداشت موقت را به رسمیت شناختند. کشورهای غربی با رویکردهای متفاوتی این جایگزین‌ها را در قوانین خود پذیرفتند. در میان این کشورها، فرانسه از یک طرف در پیش‌بینی قرارهای جایگزین بازداشت و از طرفی دیگر در استعمال عنوان قرار نظارت قضایی برای دستورات و تدابیر جایگزین پیشگام بوده است. از چهل سال قبل تاکنون، بقیه‌ی

شرایط و ضوابط حقوقی اجرای قرار نظارت قضایی در کنار قرارهای تأمین کیفری.....۴۷

کشورها نیز در به رسمیت شناختن قرارهای جایگزین بازداشت پیش از محاکمه اقدام نمودند.

در قوانین آیین دادرسی کیفری ما نیز اگرچه مصادیق قرارهای نظارتی در قرار عدم خروج از کشور خلاصه می‌شد ولی به تدریج عنوان قرار نظارت قضایی برای مجموعه‌ای از دستورات نظارتی وارد قانون جدید آیین دادرسی کیفری شد. این قرار، از جمله قرارهای تأمین نوینی است که با این عنوان از حقوق فرانسه اقتباس و وارد قانون جدید آیین دادرسی کیفری شده است. از زمان شروع مجدد فرآیند تدوین قانون جدید آیین دادرسی کیفری، یعنی سالهای ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶، تا آخرین اصلاحیه‌ی آن در سال ۹۰، قرار نظارت قضایی در قانون نپیش‌بینی شده بود و برخی از قسمت‌های آن با تغییراتی مواجه شد. به طور کلی بر اساس ماده ۲۴۷ قانون جدید آیین دادرسی کیفری، قرار نظارت قضایی قرار تأمینی است که در برخی موارد به صورت فرعی و تکمیلی علاوه بر صدور قرار تأمین و در برخی موارد به صورت اصلی و مستقل، با تحمیل یک یا چند مورد از دستورهای پنج‌گانه متناسب با جرم ارتكابی، نسبت به متهم صادر می‌گردد. بنابراین در این قانون، این قرار با ویژگی غالبی تکمیلی بودن پذیرفته شده است و حال آنکه این قرار در حقوق فرانسه به صورت فرعی اصلی پیش‌بینی شده و اصل بر این قرار گرفته که در وهله اول این قرار است که توسط مقام قضایی صادر می‌شود.

رویکرد تدوین‌کنندگان قانون آیین دادرسی کیفری در پیش‌بینی این ماهیت برای قرار نظارت قضایی باعث می‌شود تا کارکردهای آن نیز جنبه‌ای تکمیلی به خود گرفته و از مبانی برون رفت از معایب بازداشت پیش از محاکمه و حرکت در جهت نیل به اهداف جایگزین‌ها باز بماند. زیرا نهادی تکمیلی است و صدور آن به اختیار مقام قضایی واگذار شده و هر لحظه ممکن است به علت اعمال سلیقه از سوی وی صدور آن با مانع مواجه گردد. از طرفی دیگر نیز هرچند هدف نخستین صدور قرار نظارت قضایی بازپروری و اصلاح متهم است، زمانی که قرار نظارت قضایی به عنوان تدبیری تکمیلی و فرعی قلمداد گردد، نه تنها از هدف اصلی خود دور می‌افتد بلکه بار مضاعفی بر دوش متهم خواهد بود که مغایر با حقوق انسانی او جلوه می‌کند.

با وجود عدم تصریح قانون آیین دادرسی کیفری، ولی می‌توان اینگونه برداشت نمود که دستورات قرار نظارت قضایی با توجه به نوع این دستورات بر شخصی که بازداشت موقت است بار نمی‌شوند. علاوه بر این نیز با توجه به تبصره ماده ۲۵۴ قانون

جدید آیین دادرسی کیفری، در مواردی که قرار نظارت قضایی به تکمیل دیگر قرارهای تأمین می پردازد، تخطی از دستورات این قرار هیچگاه به بازداشت موقت ختم نمی شود. این امر اگرچه از ایرادات وارد بر تکمیلی بودن قرار نظارت قضایی خواهد کاست ولی از یک طرف با افزایش ایراد جایگزین بازداشت موقت نبودن این قرار، باعث می شود که ابهام در ضمانت اجرای تخطی از دستورات قرار نظارت قضایی و تشدید تأمین از کارآیی این قرار بکاهد. از همین رو اگرچه تحقق چنین اهداف این قرار با پیشگیری از ورود متهم به زندان امکان پذیر می باشد، ولی تقویت جنبه‌ی جایگزینی و امکان زندانی شدن فرد می تواند ضمانت اجرای مؤثری باشد.

علاوه بر این تکمیلی بودن قرار نظارت قضایی خود باعث می شود تا فرآیند شکلی صدور آن نیز فرع بر صدور دیگر قرارهای تأمین کیفری قرار گیرد و این امر نیز نه تنها صدور آن را تحت الشعاع قرار می دهد بلکه شرایط صدور آن را با قرارهای دیگر تأمین مشترک ساخته و از این طریق نیز گاهی نیز شرایطی برای صدور آن لازم دانسته می شود که نه لازم بوده و نه با ماهیت این قرار همخوانی دارد. به هر رو اینگونه تشریفات تبعی و اضافی برای صدور این قرار، از یک طرف التزام مضاعفی را برای مقام قضایی بوجود می آورد و از طرفی دیگر نیز با لزوم محقق بودن برخی شرایط صدور از سوی متهم، صدور این قرار را تحت الشعاع قرار می دهد.

۱-شناسایی مناسب از ماهیت قرار نظارت قضایی: رویکرد نامتناجس قانون در دوگانه (مستقل و تکمیلی) بودن قرار نظارت قضایی، آوردن قرارهایی با ماهیت نظارت قضایی ذیل قرارهای تأمین و عدم تأمین ویژگی جایگزینی بودن قرار نظارت قضایی باعث می شود تا آنکه تعریف دیگری در خصوص این قرار پیشنهاد گردد: «قراری اصلی و جایگزین بازداشت موقت که با اعمال کنترل و نظارت بر متهمان از طریق تحدید حقوق و آزادیهای آنان دستوراتی را بر آنها تحمیل می نماید که ضمانت اجرای تخلف از آنها بازداشت موقت می باشد». این تعریف پیشنهادی ریشه در این نکته دارد که از نظرگاه ما ایراد بیشتر بر تکمیلی قلمداد نمودن قرار نظارت قضایی برمی گردد و نه نوع تقسیم بندی. موضع تقسیم بندی به قرارهای تأمین و در عرض آنها قرار نظارت قضایی تقسیم بندی کم ایرادتری بوده و چه بسا با نظام حقوقی ما سازگاری بیشتری داشته باشد، آن هم با این پیشنهاد که دستورات ماهیتاً نظارتی را ذیل قرار نظارت درج کنند و نه ذیل قرار تأمین کیفری.

شرایط و ضوابط حقوقی اجرای قرار نظارت قضایی در کنار قرارهای تأمین کیفری.....۴۹

۲- بومی سازی ماهیت و جایگاه قرار نظارت قضایی: به نظر می رسد که قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ اگرچه می توانست در مقام تبعیت محض از قانونگذار فرانسه گام بردارد ولی می توانست به گونه ای دیگر نیز اقدام کند و آن اینکه؛ چنانچه آنها خواستار پایبندی به قرارهای پنجگانه تأمین کیفری ماده ۱۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری باشند اینگونه این قرار را در قانون شناسایی و پیش بینی نماید؛ قرارهای پنجگانه به مانند سابق باقی می ماندند ولی درکنار آنها قرارهای مستقل به عنوان قرار نظارت قضایی نیز پیش بینی گردد که با تجمیع دستورات نظارتی ذیل این عنوان، تشریفات آن نیز متناسب با آن مدنظر قرار گیرد. به هر حال ارزیابی کارشناسی شده بر تبعی از هرکدام از این رویکرها پیشنهاد می شود؛ امری که در اسناد مربوط به تدوین این قانون موجود نبوده و مبنای اتخاذ رویکرد حاضر را مسکوت گذاشته است.

۳- به رسمیت شناختن افتراقی رضایت و موافقت متهم درخصوص قرارهای نظارت قضایی: پیشنهاد می شود که در برخی از دستورات قرار نظارت قضایی اخذ رضایت متهم پیش بینی گردد و در برخی از این دستورات، صلاحدید مقام قضایی کفایت کند. این پیشنهاد افتراقی بدین معناست که در مواردی که جنبه‌ی تحدید حقوق اشخاص بیشتر مطرح است (مانند دستور معرفی نوبه ای خود) اخذ رضایت متهم پیش بینی گردد و در آن دسته از موارد و دستوراتی که الزامات تحقیقی یا حمایت از حقوق جامعه بیشتر اهمیت می یابند (مثل عدم خروج از کشور یا منع رانندگی) اخذ رضایت متهم لازم نباشد و این امر به صلاحدید مقام قضایی واگذار شود. زیرا در این دسته‌ی اخیر قرار نظارت برای محقق ساختن رسالت نظارتی و کنترلی خود، بیش از آنکه به نظر متهم وابسته باشد منوط به صلاحدید مقام قضایی است، دیدگاهی که در حقوق فرانسه نیز مورد پذیرش قرار گرفته است.

۴- تدوین صحیح شیوه‌ی اجرا و توجه به بعد فرهنگ سازی در آن: اگرچه براساس ماده ۲۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری، شیوه اجرای قرارهای نظارت قضایی را به تدوین آیین نامه ای منوط نموده است ولی بایستی در تدوین این شیوه اجرا به دو مقوله اهمیت داده شود؛ یکی مقوله‌ی تشریفات دقیق اجرا و دیگری فرهنگ سازی در اجرای این قرارها. در خصوص تشریفات اجرا مواردی که توجه به آنها پیشنهاد می گردند؛ مدت اجرای دستورات، اشخاصی که باید موضوع هرکدام از این دستورات قرار گیرند و به ویژه آنکه پیشنهاد می گردد که اگر از نظر تدوین کنندگان قانون وجوب وجود هیأتی نظارتی لازم می باشد اعضای این هیأت مشخص شوند. بدیهی است که این

۵۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

هیأت می‌تواند در افزایش کارآیی این قرار بیفزاید. علاوه بر این پیشنهاد تدوین راهبردهایی جهت فرهنگ سازی و نهادینه کردن ارزش آزادی افراد و نیز علاوه بر آن پایبندی متهمان به آن در این آیین نامه قابل طرح است. چه بسا با محول نمودن این وظیفه بر همین هیأت یا کارگروهی دیگر می‌تواند به نحو بهتری تضمین گردد.

۵-پیش بینی هیأتی نظارتی جهت نظارت بر حسن اجرای قرار نظارت قضایی: با توجه به نوع دستوراتی که از صدور قرار نظارت قضایی حاصل می‌شوند، همانا لازمه‌ی این قرار و اجرای آن وجود هیأتی نظارتی از ناظرینی متخصص می‌باشد. بر همین اساس این هیأت بایستی از متخصصان علمی چون جرم‌شناسی، روانشناسی، جامعه‌شناسی و متصدیان قضایی بهره‌گیرد. وجود این هیأت از یک طرف باعث خواهد شد که متهمان خود را فارغ از نظارت ناظرین قضایی ندانند و دریابند که اندکی تغییر در رفتارها مورد توجه مسئولان قرار خواهد گرفت. از طرفی دیگر نیز وجود این هیأت منجر به کاستن از بسیاری از مسئولیت‌های مقامات قضایی صادرکننده‌ی قرار نظارت قضایی گردد و به نوعی با تقویت متناسب بودن تصمیمات صادره به دقت در تصمیمات نیز بیفزاید. علاوه بر این نیز وجود این هیأت و پیش‌بینی وظایفی چون پرونده‌ی رفتاری و شخصیت‌متمم، در صدور مجازات‌ها در مرحله‌ی صدور حکم و بهره‌مندی از تخفیف مجازات و نیز توسل به مجازات‌های جایگزین حبس مؤثر واقع شوند.

۶-برقراری ارتباط میان تبعیت از دستورات قرار نظارت قضایی و بهره‌مندی از نهادهای جایگزین حبس: از یک طرف به دلیل اینکه دستورات ذیل قرار نظارت قضایی با دستورات نهادهای جایگزین حبس شباهت فراوانی با یکدیگر دارند، و از طرفی دیگر با توجه به حجم قابل توجه متهمانی که محکوم می‌شوند؛ پیشنهاد می‌شود تاآنکه در جهت افزایش کارآیی این قرار و نیز افزایش احتمال تبعیت متهمان از آن میان این دو دسته تدابیر ارتباط برقرار شود. بدیهی است که این امر باعث می‌شود تا در درون متهم نسبت به تبعیت از این قرار انگیزه ایجاد شود.

شرایط و ضوابط حقوقی اجرای قرار نظارت قضایی در کنار قرارهای تأمین کیفری..... ۵۱

منابع:

الف: منابع فارسی

- آشوری، محمد (۱۳۸۲)، جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین، نشر گرایش، چاپ اول.
- آشوری، محمد (۱۳۸۶)، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، انتشارات سمت، چاپ هشتم.
- آشوری، محمد (۱۳۹۱)، گزیده جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین، انتشارات دادگستر، چاپ اول.
- استفانی، گاستون، ژرژ لواسور و برنار بولک (۱۳۷۷)، آیین دادرسی کیفری (جریان دادرسی کیفری)، ترجمه حسن دادبان، جلد دوم، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول.
- الهی منش، محمدرضا (۱۳۸۹)، بازداشت موقت و جایگزین های آن در حقوق ایران و فرانسه، انتشارات مجد، چاپ اول.
- ایملی، چانگ و همکاران (۱۳۸۴)، بازداشت پیش از محاکمه، اصلاحات و راه حل ها (بهترین روش های اجرا شده در سطح بین المللی برای کاهش زمان بازداشت پیش از محاکمه و بهبود شرایط حبس)، ترجمه مهران مهاجر، نشر وفاق، چاپ اول.
- بوریکان، ژاک و آن ماری سیمون (۱۳۸۹)، آیین دادرسی کیفری، ترجمه عباس تدین، انتشارات خرسندی، چاپ اول.
- تدین، عباس (۱۳۹۱)، ترجمه قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، انتشارات خرسندی، چاپ اول.
- تدین، عباس (۱۳۹۲)، قرار نظارت قضایی در فرآیند دادرسی کیفری ایران و فرانسه، دایره المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله های تازه های علوم جنایی)، کتاب دوم، نشر میزان، چاپ اول.
- حاجی تبار فیروزجائی، حسن (۱۳۸۶)، جایگزین های حبس در حقوق کیفری ایران، انتشارات فردوسی، چاپ اول.

۵۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

-نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۰)، توافقی شدن آیین دادرسی کیفری، نشر میزان، چاپ اول.

ب: منابع لاتین

-Sliwowski, S, G.(۱۹۶۴) **Les dispositions concernant le contrôle judiciaire de l'exécution des peines en droit pénal français (art. ۷۲۳-۷۲۱ du c.p.p.)**, dans Problèmes contemporains de procédure pénale, Recueil d'études en hommage à Louis Hugueney, Paris , ,
-Fourment F. (۲۰۰۷) **Procédure pénale, Paradigme, coll.** (Manuel),. N , ۴۶۰
-Leroy, Jacques. (۲۰۰۶) **Procédure pénal**, L.G.D.J Lextenso editions, ۱۳^e édition.